

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نپاشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Economic

اقتصادی

هاله صفر زاده

۲۹ جولای ۲۰۱۱

زندگی و مبارزه مردم مکزیک

در برابر نئولیبرالیسم

۶

سندیکاهای دهقانی

در مکزیک سندیکاهای دهقانی نیز وجود دارد، مانند "سازمان دهقانان کوهستان‌های مادر جنوبی" در ایالت "گرررو" و برخی گروه‌های مشابه، که در ارتباطی ارگانیک با گروه‌ها و سازمان‌های مستقل سیاسی و اجتماعی دیگر، حتی گاهی با نزدیکی‌هایی با سازمان‌های مسلح چپ، شکل گرفتند. این گرایش در "اتحادیه تولید کنندگان ناربال" و "اتحادیه تولید کنندگان گل ختمی" و "تولیدکنندگان خشخاش" و نیز در مناطق تولید قهوه، مشاهده می‌شود. مقاومت‌ها و مبارزات مردم مکزیک، فقط در سطح محل‌های کار محدود نمی‌شود و در بسیاری از موارد، با مبارزات اجتماعی مردم در محل زندگی، پیوند نزدیکی دارد.

زنان در اتحادیه‌ها

بخشی از فعالیت‌های این تشکلهای، بر روی آموزش، سازمان‌دهی و مبارزه برای حقوق زنان کارگر در مواجهه با کمبود دستمزد، آزار جنسی و مشکلات دیگر در محیط کار، متمرکز شده است. یکی از این تشکلهای فات(جبهه متحد کار) است.

بسیاری از زنان جوان حقوق‌بگیر شاغل در ادارات، رسانه‌ها، مراکز بازرگانی و... با کمک فات توانسته‌اند اتحادیه تشکیل دهند، آموزش‌هایی در زمینه برابری جنسیتی ببینند و شرایط کار خود را بهبود بخشند. بندیکتو ماتینز (Benedicto Martinez) یکی از اعضای رهبری فات می‌گوید که در این سال‌ها، تجربیات و دست‌آوردهای زیادی داشته‌اند. او به عنوان مثال، از کارگران به تازگی سازمان یافته پمپ بنزین صحبت می‌کند که بسیاری از آنان، زن هستند و شرایط کار آنها به شدت دشوار است. آنها هنوز هم، هیچ مزد ثابتی در قبال کارشان دریافت نمی‌کنند. این زن‌ها، مجبور به فروش تعداد معینی از محصولات هستند. این زنان از طرف مالکان، کارفرمایان،

همکاران مرد و حتی مشتریان، مورد آزار و اذیت جنسی قرار می‌گیرند. با تلاش این زنان، قوانین سختگیرانه‌ای در مورد منع آزار جنسی در ایستگاه‌های توزیع گاز، وضع شد.

زنان عضو "شبکه حقوق اتحادیه‌ای" (RMS) هم، به کار آموزش زنان در زمینه آشنائی با حقوق خود می‌پردازند. به عنوان مثال، در کارخانه فولکس واگن، این شبکه همراه با زنان کارگر برای ایجاد شیرخوارگاه و یک مرکز مراقبت از کودکان برای زنان شاغل در این کارخانه، فعالیت می‌کرد.

خولیا کوینونز (Julia Quiñonez) یکی از زنان عضو کمیته کارگران مرزی (Border Workers Committee) (CFO) می‌گوید:

"سال ۱۹۷۵ کار را در رابطه با کمیته زنان شروع کردیم. کارخانه بیشتر زنان را استخدام می‌کرد، چون فکر می‌کرد بیشتر کار می‌کنند و کمتر حقوق می‌گیرند. کمیته زنان را به وجود آوردیم که به کارگرانی که فعال نیستند، قدرت دهیم، آن‌ها را متشکل کرده و برای زنان، برنامه عمل داشته باشیم. ما می‌خواهیم به زنان یاد بدهیم تا آگاه شوند و بفهمند که چگونه حقوق‌شان ضایع می‌شود. به عنوان مثال، در بسیاری از کمپانی‌ها از کارگران زن تست حاملگی می‌گرفتند.

ما توانستیم کارکنیم. در اولین قدم یاد گرفتیم که در چشم سرپرست نگاه کنیم و بگوئیم سرما داد زن. این شروع کار ما بود. کمیته درسه ایالت کار می‌کند. به دلیل کشته شدن زنان، در یک دوره فعالیت‌هایمان را کم کردیم. به وجود آمدن سندیکا و کمیته‌ها، به بهتر شدن زندگی زنان کارگر کمک کرد. خود پروسه تشکیل سندیکا، برای ما مهم بود. سندیکاهای زرد رنگی هم وجود داشت. کمیته‌هایی را (به‌خصوص در جنرال الکتریک) به وجود آوردیم تا آن سندیکاها را دموکرات کند و به جای کمک به کارفرما، به کارگران کمک کند.

سال ۲۰۰۰ در سه شهر، کارگران شرکت کداک را متشکل کردیم. آن زمان چهارده هزار نفر از کارگران ما توانستند در یک قرارداد دسته‌جمعی، سی درصد اضافه حقوق بگیرند. این کانالی شد برای ارتباط گیری با کارگران.

کمپانی به دنبال این بود که چگونه کارگران را اذیت کند که متشکل نشوند. چند صد کارگر، به خاطر فعالیت‌هایشان اخراج شدند. کمپانی علیه ما حرف می‌زد. کارخانه را بستند و سندیکا از طرف اداره کار به رسمیت شناخته نشد. ما کمپینی راه انداختیم که سه سال طول کشید. سندیکاهای زرد، برای این کارگران هیچ کاری نمی‌کردند. ما کار را در ILO ادامه دادیم. بعد از سه سال، ILO جواب داد و کارفرما قبول کرده که آن چند صد کارگر را به سر کار برگرداند.

این تجربه خوبی بود که طی آن، کارگران توانستند حقوقی را که از دست داده بودند، دوباره به دست آورند. این پروسه سه ساله، خیلی سخت بود. ما یاد گرفتیم که خودمان را متشکل کنیم. یاد گرفتیم که چگونه از این ابزار استفاده کنیم. ما در کمپانی‌های دیگر هم، کار کردیم. کارگران پذیرفتند که سندیکا را تشکیل دهند. ما با ششصد کارگر شروع کردیم و الان به سیزده هزار کارگر رسیده‌ایم. کمپانی‌ها هم به طور مشخص گفته‌اند که ما نمی‌خواهیم سندیکا داشته باشیم."

درکنار این فعالیت‌ها کمیته‌ای از زنان و همسران کارگران "اتحادیه برق مکزیك" تشکیل شده است که دوشادوش همسران‌شان فعالیت می‌کنند. زنان شاغل در راه آهن نیز سعی می‌کنند به طور متشکل، در مبارزات کارگری سهم باشند.

در روز جهانی زن (۱۷ مارس ۲۰۱۱) زنان کارگر و زنان فعال در جنبش‌های دموکراتیک، کنفرانسی برگزار کردند. همسران کارگران راه آهن، زنان کارگر، زنانی از مکزیک، اتحادیه کارگران برق (SME) از پاسکوال، تعاونی نوشابه، از اسپایسر و از شرکت‌های تیلیفون و... تجارب خود را به اشتراک گذاشتند.

ارتباطات بین المللی

در سال‌های اخیر، یکی از فعالیت‌های تشکلهای مستقل، شناساندن خود تشکلهای در سطح بین‌المللی است. این فعالان، با این ایده که حالا که سرمایه‌داران کانادا، امریکا و مکزیک متحدانه به استثمار کارگران می‌پردازند، کارگران این سه کشور هم باید متحدانه از حق و حقوق خود دفاع کنند. در این زمینه اقدامات متنوع بسیاری انجام داده‌اند. از جمله برگزاری کنفرانس‌هایی در شهرهای مختلف، ایجاد ارتباط با اتحادیه‌های کارگری کانادا و امریکا، و جلب حمایت آنان، طرح شکایت از شرکت‌های کانادایی و امریکایی در دادگاه‌های کانادا و امریکا، شرکت در جلسات ILO و...

این ایده در میان بخش‌های مستقل سندیکا‌های کارگری کانادا، مکزیک و امریکا وجود دارد که همکاری مشترکی را سازمان دهند. آنها اعتقاد دارند باید با هم بنشینند و ببینند که چگونه می‌توانند منطقه‌ای عمل کنند. آنان معتقدند که کارگران کانادایی، مکزیک و امریکایی اشتراک بیشتری با هم دارند تا با کارفرماهایی که حتی هموطن آنها هستند. آنان از هر تماسی برای ایجاد همبستگی میان کارگران مکزیک با کارگران کانادا و امریکا استقبال می‌کنند. آنان کارگران امریکایی و کانادایی را به مناطق مرزی دعوت می‌کنند تا با شرایط زندگی کارگران مکزیک از نزدیک آشنا شوند. نمایندگانی از کارگران و سندیکا‌های کارگری مکزیک در برنامه‌های مختلف در کشورهای گوناگون شرکت می‌کنند و حمایت‌های بین‌المللی را خواهان هستند.

در جریان کنفرانس G8 در تورنتو و برگزاری روز همبستگی با مکزیک از طرف مخالفان G8 و G20 قراردادی امضاء شد برای تشکیل کمیته‌ای از اتحادیه‌های کارگری کانادا، مکزیک و کارابین برای تأمین استقلال و خودمختاری کارگری در امریکای شمالی تشکیل شد.

جورج روبرلز (Jorge Robles) از اعضای فات (Authentic Workers Front - FAT) در کنفرانس در تورنتو کانادا چنین گفت:

"ما اعتقاد داریم این همبستگی مهم است و اینجا هستیم که این را به شما بگوئیم. کمک به ما کمک به خود شما هم هست. مکزیک، کانادا و امریکا در تجارتی هستند که قوانین نفتا به وجود آورده است. که این قوانین مشترک سبب شده که بتوانیم کار مشترک هم انجام دهیم. قبل از این تاریخ سندیکا‌های امریکای شمالی و کانادا به هم بدبین بودند... ما در این فکر بودیم که بخش بین الملل ما را بپذیرد. ما به ای ال او رفتیم و تعدادی هم به جلسه‌های نفتا. از سال ۱۹۹۰ از تمام مکانیسم‌ها سعی کردیم برای مبارزاتمان استفاده کنیم. ای ال او دفتری در مکزیک دارد اما ما نمی‌توانیم به آن شکایت کنیم. ما شکایت خود را در کانادا و امریکا طرح کردیم. خواست ما حق تشکل با انتخابات مخفی بود. این مسأله و همینطور ایمنی کار در قرارداد نفتا لحاظ نشده است... در سال ۱۹۹۷ در کانادا شکایتی را ثبت کردیم که کارگران می‌خواهند تشکل مستقل به وجود آورند. نتیجه این شکایت و پیگیری ما سبب شد که دولت مکزیک اجازه دهد تشکل مستقل با رأی مخفی کارگران تشکیل شود. این حق رأی مخفی را توانستیم طی دو سال در تعدادی از سندیکاها و تشکلهای گسترش دهیم."

کارلوس دی بونس (Carlos de Buen) وکیل اتحادیه کارگران فلزکار مکزیک، National Union of Mine Metal and Steelworkers of the Mexican درمورد ن حوذفاع از کارگران بیکار شده و طرح شکایت از شرکت های کانادائی و امریکائی چنین میگوید:

"مسابقه‌ای در جریان است؟ باید نشان دهیم که چه قدرتی داریم؟ ما می‌توانیم هر روز یک پرونده باز کنیم؟ یک شکایت مطرح کنیم؟ البته می‌دانیم که امکان برد خیلی کم است یا اصلاً وجود ندارد اما اگر این شکایت ها را برنامه‌ریزی کنیم و آن را توی سر سرمایه‌داران کانادائی بزنیم، کارفرماهای کانادائی برق و معدن در مکزیک چه خواهند کرد؟ ... به هر حال سیستم قضائی امریکا و کانادا نسبت به مکزیک بهتر است. در پانزده سال گذشته شبکه وکلا با هم کارهای مشترک زیادی انجام داده اند. مسأله بردن یا باختن نیست."

از زمان امضای نفتا روابط بین سندیکاهای کارگری کانادا و امریکا و مکزیک تغییر کرده است. قبل از آن سندیکاهای مکزیک و کانادا ارتباطی با هم نداشتند. در این مدت این رابطه رشد کرده و بسط پیدا کرده است. مخالفت با نفتا در سه کشور سبب نزدیکی میان کسانی شده که در این زمینه هم نظرند و در يك راستا عمل می‌کنند. ارتباط بین تشکل های کارگری در کانادا و امریکا و مکزیک یکطرفه نیست. در سال ۲۰۰۵ هنگام اعتصاب کارگران متال در آریزونا کارگران معدن در مکزیک و اتحادیه‌های مستقل از آنان حمایت کردند.



فدراسیون بین المللی کارگران حمل و نقل (ITF) چهل و دومین کنگره اش را با برگزاری یک راهپیمائی در مکزیکوسیتی، در حمایت از کارگران مکزیک، به پایان رساند.

اتحادیه ها و تشکل های سایر نقاط جهان نیز با کارگران مکزیک همبستگی خود را نشان داده‌اند. از جمله می توان به اقدام اتحادیه‌های کارگری ناروی اشاره داشت که با جلوگیری از سرمایه‌گذاری حقوق بازنشستگی‌شان در مکزیک همراهی خود را با کارگران مکزیک نشان دادند. یا همزمان با جام جهانی فوتبال تظاهراتی از طرف اتحادیه‌های کارگری برگزار شد و در مورد شرایط کار و زندگی کارگران مکزیک اطلاع رسانی شد. در ۱۴ فبروری ۲۰۱۱ فعالان اتحادیه های کارگری بیش از ۲۵ کشور در پنج قاره یک هفته در همبستگی با اتحادیه های مستقل کارگری مکزیک اقدامات بسیاری داشتند از جمله اقصاءگری در مورد نقض حقوق اتحادیه‌های مستقل و عدم آزادی فعالیت آنان توسط دولت مکزیک.

ادامه دارد